

ماهیت بیمه مسؤلیت در حقوق ایران با رویکردی تطبیقی در حقوق انگلیس

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۵/۰۲

تاریخ تأیید: ۹۲/۱۰/۲۲

سیدمصطفی محقق داماد^۱

استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

سیدمحمدحسن مالکچه پور شوشتی^۲

استادیار دانشگاه شهید چمران

چکیده

به رغم رشد فزاینده میزان استفاده از بیمه‌های مسؤلیت مدنی، هنوز ماهیت حقوقی این قرارداد آشکار نیست. توجیه آثار این قرارداد بر طرفین آن و اشخاص ثالث زیان دیده، صرفاً با تکیه بر شناخت ماهیت این قرارداد ممکن خواهد بود. فاصله گرفتن از قواعد عمومی قراردادها در بیمه‌نامه‌های مسؤلیت، نظیر تعهد بیمه‌گر در پرداخت خسارت به شخص ثالث زیان دیده حتی در صورت عمد بیمه‌گذار و سایر مواردی که با قواعد عمومی توجیه‌پذیر نمی‌باشند، همگی نشان از آن دارد که باید برای این نوع بیمه‌ها یک ماهیت مستقل در نظر گرفت. هر چند در ایران نیز مانند انگلیس می‌توان از نظریه تعهد به نفع شخص ثالث و پرداخت خسارت متناسب به بیمه‌گذار سخن گفت، اما به نظر می‌رسد ماهیت قرارداد بیمه مسؤلیت اجباری، تضمین جبران خسارت زیان دیده به حکم قانون و در محدوده قرارداد بیمه باشد. واژگان کلیدی: بیمه، مسؤلیت، بیمه مسؤلیت مدنی، تعهد به نفع شخص ثالث

مقدمه

با صنعتی شدن زندگی و گسترش ماشین‌های خطرناک تهدیدکننده زندگی بشری افزایش یافت؛ به همین دلیل مواجه شدن با خطرات و پذیرفتن خسارات آن اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان از بروز حوادث جلوگیری کرد، اما می‌توان با اندیشیدن تمهیداتی آثار زیانبار حوادث را به حداقل ممکن رساند. بنابراین باید به دنبال راهکاری بود تا از یک طرف بتوان آثار مخرب حوادث ناشی از زندگی جدید را کاهش داد و از طرف دیگر رشد اقتصادی را با ترمز مسؤلیت مدنی متوقف نمود. راه حل منطقی برای جمع این دو مصلحت، بیمه است. در این میان اهمیت بیمه‌های مسؤلیت دو چندان است. با این شیوه منافع بیمه‌گذار و قربانی حادثه تأمین می‌گردد و

1. Email: mdamad@me.com

2. Email: s.m.h.malaehepour@gmail.com

« نویسنده مسئول »

صنعت بیمه نیز به عنوان فعالیت اقتصادی سود ده رشد و توسعه می‌یابد. به همین مناسبت، امروز یکی از شاخص‌های وضعیت صنعتی کشورها، میزان درآمدهای بیمه‌ای آن‌ها است. هر چند قدمت بیمه مسئولیت در دنیا به قرن نوزدهم میلادی بر می‌گردد، اما در کشور ما صنعت نوپایی است؛ به طوری که اولین قانون بیمه در سال ۱۳۱۶ و اولین قانون بیمه اجباری مربوط به وسایل نقلیه موتوری در سال ۱۳۴۷ مورد تصویب قرار گرفته است. طبیعتاً عدم قدمت بیمه مسئولیت یکی از عوامل کمبود آثار حقوقی در این حوزه است. در این میان ماهیت حقوقی قرارداد بیمه مسئولیت مدنی به نحو شایسته مورد بررسی قرار نگرفته است. بدین منظور ابتدا موضوع را در حقوق ایران بررسی کرده و سپس از منظر حقوق انگلیس به موضوع می‌پردازیم.

۱- ماهیت بیمه مسئولیت مدنی در حقوق ایران

نظریات مختلفی در مورد ماهیت بیمه مسئولیت در حقوق ایران قابل طرح است. طی سه شماره به بررسی نظریات ارائه شده می‌پردازیم.

۱-۱- بیمه مسئولیت و نظریه تعهد به نفع شخص ثالث

برخی معتقدند ماهیت بیمه مسئولیت، تعهد به نفع شخص ثالث است. به عقیده ایشان بیمه‌گر به نفع شخص ثالث (زیان دیده) متعهد شده است در صورت ورود خسارت به وی از ناحیه بیمه‌گذار، جبران خسارت نماید. بررسی این نظریه را در سه قسمت زیر پی می‌گیریم.

۱-۱-۱- ماهیت حقوقی نظریه تعهد به نفع شخص ثالث

ریشه این اصل را در حقوق روم یافته‌اند (محقق داماد، ۱۳۷۵: ۲۰). در توجیه آن سه نظریه مهم ابراز شده است:

الف- دکترین پیشنهاد: به موجب این نظریه که مبتنی بر انتقال طلب است در قراردادی که در آن تعهدی به نفع شخص ثالث می‌شود، نخست حق به نفع طرف قرارداد (مشروط له) ایجاد می‌شود و سپس او استفاده و بهره‌گیری از مزایای شرط را به شخص ثالث پیشنهاد می‌کند و حق در صورتی و از زمانی برای شخص مزبور ایجاد می‌گردد که آن را قبول نماید. به موجب آن، شخص ثالث به طور مستقیم ذی‌حق قرار نمی‌گیرد و حق حاصل از شرط، نخست وارد دارایی شرط‌کننده می‌شود و از زمان موافقت شخص ثالث به وی تعلق می‌گیرد. این نظریه به نوعی با اصل نسبی بودن قرارداد قابل توجیه است (حسینی طرقی، ۱۳۸۲: ۴).

اگر مبنای نهاد تعهد به نفع شخص ثالث را نظریه پیشنهاد بدانیم، در توجیه ماهیت بیمه مسئولیت با اشکال روبرو خواهیم شد. زیرا به طور مثال در بیمه مسئولیت وسایل نقلیه، چنانچه راننده بیمه‌گذار در حادثه رانندگی قبل از قبول شخص ثالث فوت شود، طلبکاران شرط‌کننده می‌توانند مورد شرط را توقیف نمایند و تعهد جزو ترکه متوفی و متعلق حق طلبکاران قرار می‌گیرد و آنان می‌توانند از آن استیفاء طلب خود را بنمایند.

ب- دکتربین معامله فضولی: به موجب این نظریه، تعهد به نفع ثالث یک معامله فضولی است که توسط شرط‌کننده از قبل شخص ثالث انجام گرفته است. چنانچه شخص ثالث عمل مزبور را قبول نماید، عمل شرط‌کننده به وکالت تبدیل می‌شود و گوئی به حساب او و به نمایندگی از وی انجام یافته است و در حقیقت متعهدله واقعی، همان شخص ثالث بوده که به نام او قرارداد واقع شده است. لیکن شرط‌کننده در اینجا، اصالتاً خود طرف قرارداد است و به حساب خود عمل می‌کند نه به نمایندگی از طرف آنان. به علاوه شخص فضولی نمی‌تواند قراردادی را که منعقد نموده برهم زند، مگر به عنوان فضولی و حال آنکه در قرارداد بیمه، بیمه‌گذار می‌تواند به طور مستقل آن را منحل نماید (امامی، ۱۳۶۲: ۲۵۶/۱).

ج- نظریه‌های مبتنی بر ایجاد مستقیم حق: برخلاف دو نظریه قبلی که درصدد توجیه تعهد به نفع شخص ثالث بر مبنای اصل اثر نسبی قرارداد بودند، در این نظریه، نهاد تعهد به نفع شخص ثالث به عنوان استثناء بر اصل اثر نسبی قرارداد معرفی می‌گردد، در این خصوص دو نظریه عمده وجود دارد.

۱- نظریه اعلام یک طرفه اراده (ایقاع): مطابق این نظر تعهد به نفع شخص ثالث از موارد تعهد یک طرفی (ایقاع) است، بنابراین نیازی به قبولی شخص ثالث نیست. شاید از این جهت که این نظریه با قواعد حقوقی ما مشعر به عدم نیاز به اخذ قبولی شخص ثالث سازگار است، از قوت بیشتری برخوردار باشد. اما ایرادی که به این نظریه گرفته‌اند این است که در مسئله مورد نزاع، اراده یک جانبه شخص نیست که ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث نموده است، بلکه این تعهد ناشی از توافق اراده دو طرف قرارداد است. ۲- نظریه ایجاد استثنایی حق به سود ثالث: بر اساس این نظریه قراردادی که میان متعاملین منعقد می‌گردد و در آن یکی از طرفین تعهدی به نفع شخص ثالث می‌نماید، مستقیماً به نفع شخص مزبور ایجاد تعهد می‌شود، بدون آنکه احتیاج به قبول و موافقت او داشته باشد. یعنی شخص ثالث بدون آنکه مداخله در قرارداد کند، متعهدله قرار می‌گیرد و می‌تواند از قرارداد منتفع شود و از این رهگذر می‌تواند در دادگاه علیه متعهد اقامه دعوی کند. آنچه در این نظریه اهمیت بیشتری

دارد، این است که حق یا منفعت بدون آنکه وارد ملکیت شرطکننده شود، مستقیماً به نفع شخص ثالث ایجاد می‌شود تا از این طریق حق شخص ثالث از ادعاهای بستانکاران و ورثه شرطکننده مصون بماند. مطابق این نظریه، تعهد به نفع شخص ثالث، استثناء بر اصل اثر نسبی قرارداد است.

۲-۱-۲- توجیه ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت مدنی بر مبنای تعهد به نفع شخص ثالث

برخی صاحب‌نظران معتقدند تاریخ طرح و تحول نهاد «تعهد به سود ثالث» به خوبی نشان می‌دهد که انگیزه رشد آن در حقوق جدید، نیاز جامعه به عقد بیمه بوده است. به اعتقاد ایشان در واقع عقد بیمه وسیله فنی تعهد به سود ثالث را در پناه و استخدام خود گرفته است. آنچه در این عقد می‌گذرد بر طبق قواعد عمومی است. مطابق با نظر این گروه، مهم‌ترین مورد استفاده از نهاد «تعهد به سود ثالث» انواع بیمه‌هایی است که در آن‌ها ذینفع حق بیمه، شخص ثالث است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳/۳۸۴)؛ و در تعهد به نفع شخص ثالث سودی که به شخص ثالث می‌رسد باید هدف قرارداد باشد نه اثر ساده آن. در قرارداد بیمه مسئولیت مدنی نیز، هدف از قرارداد، ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث است، لذا قرارداد بیمه مسئولیت مدنی بر پایه نهاد تعهد به نفع شخص ثالث توجیه می‌پذیرد.

در تعهد به نفع شخص ثالث، چون منشاء تعهد میان طرفین قرارداد می‌باشد و متعهد در برابر مشروط له انجام کار یا دادن مالی را به شخص ثالث به عهده می‌گیرد، لذا مشروط له می‌تواند اجرای تعهد را از متعهد بخواهد. در واقع مشروط له در کنار شخص ثالث منتفع می‌باشد. در قرارداد بیمه نیز بیمه‌گذار به عنوان مدیون اصلی می‌تواند پرداخت خسارت شخص ثالث را از شرکت بیمه‌گر بخواهد. هر چند چنین اظهار شده است که بیمه‌های مسئولیت دو هدف عمده (حمایت از دارایی شخص مسئول و حمایت از ثالث زیان‌دیده) را پیگیری می‌نمایند اما با گذر زمان دومین هدف، غالب گردیده است. از همین رو بسیاری از انواع بیمه‌ها اجباری گشته است؛ به عنوان مثال در فرانسه در خارج از قلمرو تأمین اجتماعی در بیش از نود درصد موارد، بیمه اجباری وجود دارد که بیش از هشتاد درصد از آن‌ها بیمه‌های اجباری مسئولیت مدنی است.

شاید عمده دلیل معتقدان به نظریه تعهد به نفع شخص ثالث به عنوان مبنای بیمه مسئولیت، این باشد که در بیمه‌های اجباری مسئولیت، در بسیاری از کشورها به دلیل لزوم حمایت از زیان‌دیده، بیمه‌گر را حتی در صورتی که بیمه‌گذار به عمد حادثه را ایجاد کرده باشد، مکلف به جبران خسارت شخص ثالث زیان‌دیده دانسته‌اند. اما چون تقصیر عمدی خارج از قلمرو بیمه مسئولیت است، در مرحله بعد به بیمه‌گر حق رجوع به بیمه‌گذار را اعطاء نموده‌اند. لذا به

نظر می‌رسد هدف عمده بیمه‌های مسئولیت، حداقل در بیمه‌های اجباری مسئولیت، حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده باشد. توسعه محدوده اشخاص ثالث در قانون اصلاح قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری زمینی در برابر اشخاص ثالث نیز مؤیدی دیگر است.^۱

همچنین در اغلب کشورها، بیمه مسئولیت در فرض تقصیر سنگین معتبر است؛ و این در حالی است که در همان کشورها، در فرض شرط عدم مسئولیت، تقصیر سنگین در حکم عمد قرار می‌گیرد و به آن ملحق می‌گردد؛ در نتیجه شرط عدم مسئولیت در صورت تقصیر سنگین هم باطل است. یکی از مهم‌ترین دلایل این تفاوت، حمایت از حقوق زیان‌دیدگان و تضمین جبران خسارت آن‌ها است. اندیشه حمایت از حقوق زیان‌دیده حکم می‌کند که شرط عدم مسئولیت در فرض تقصیر سنگین باطل باشد و برعکس بیمه مسئولیت در همین فرض صحیح انگاشته شود.

۲-۱-۳- ایرادات وارد بر توجیه ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت بر مبنای نظریه تعهد به نفع شخص ثالث

بررسی عمیق نشان می‌دهد که ایرادات متعددی بر توجیه حقوقی بیمه مسئولیت بر مبنای نظریه تعهد به نفع شخص ثالث وارد شده است.

الف- نیاز به یک پایه قراردادی: لازمه تعهد به نفع شخص ثالث، قراردادی است که متضمن یک تعهد فرعی باشد. اینکه بتوان یک جانبه تعهدی به نفع شخص ثالث نمود مورد اختلاف است. نمی‌توان بیمه مسئولیت را تعهد به نفع ثالث دانست زیرا در این بیمه، موضوع قرارداد، تعهد به نفع ثالث است نه آنکه تعهد به نفع ثالث به تبع یک قرارداد پایه باشد (کاتوزیان، همان: ۳/۳۷۵).

ب- تعهد با هدف احسان: هدف از نهاد تعهد به نفع شخص ثالث، احسان به ثالث است. به همین جهت است که هیچ نظام حقوقی اجازه نمی‌دهد ضمن یک قرارداد، تعهدی برعهده شخص ثالث ایجاد شود. با این حال در بیمه مسئولیت، احسان موضوعیتی ندارد و طی این قرارداد، بیمه‌گذار دین خود به ثالث متضرر را از طریق بیمه‌گر می‌پردازد؛ و آنچه که عاید زیان‌دیده می‌شود، دین ناشی از ورود خسارت به وی، برعهده بیمه‌گذار می‌باشد.

ج- ثالث بدون حقی خاص و مستقیم: در نهاد تعهد به نفع شخص ثالث، شخص ثالث منتفع از تعهد در برابر متعهد، حقی خاص و مستقیم ندارد و نمی‌تواند به او رجوع کند (کاتوزیان، همان: ۳/۳۷۷). بنا به همین قاعده چنانچه متعهد قرارداد اصلی از ایفای تعهد خود در

۱. برخلاف قانون سابق که قلمرو شخص ثالث محدود بود و استثنائات فراوانی داشت در قانون اصلاحی تنها استثناء شخص ثالث، راننده مسبب حادثه است.

برابر شخص ثالث خودداری نماید، شخص ثالث مذکور نمی‌تواند برای مطالبه تعهد طرح دعوا نماید. این در حالی است که در بیمه مسئولیت، زیان دیده می‌تواند برای دریافت خسارت وارده به خود از ناحیه بیمه‌گذار، مستقیماً به شرکت بیمه مراجعه نماید و لذا در عقد بیمه برخلاف نهاد تعهد به نفع شخص ثالث، زیان دیده می‌تواند مستقیماً به متعهد عقد بیمه مراجعه نماید. البته در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت اصل در بیمه مسئولیت بر عدم حق مراجعه مستقیم شخص ثالث زیان دیده به بیمه‌گر است. در بیمه اجباری مسئولیت که شاهد وجود این حق هستیم، در واقع با موارد استثناء مواجه می‌باشیم. دلیل این امر این است که در بیمه مسئولیت، بیمه‌گر در برابر بیمه‌گذار مسئول است، نه در برابر شخص ثالث زیان دیده (بهاء‌الدین مسعود، ۲۰۰۸: ۲۲).

د- ذی نفع قرارداد باید معین باشد: یکی از اصول نهاد تعهد به نفع شخص ثالث این است که ذینفع قرارداد (شخص ثالث منتفع) هنگام انعقاد قرارداد، باید معین باشد. در حالی که در بیمه مسئولیت ثالث متضرر که قرار است منتفع از عقد بیمه باشد، از پیش معین نیست؛ این قاعده هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی حکم فرماست. توضیح آنکه نه تنها هویت ثالث زیان دیده اهمیتی برای شرکت بیمه ندارد، بلکه جز در مواردی که تعداد اشخاص ثالث در بیمه‌نامه محدود شده است، در اغلب موارد تعداد اشخاص ثالث نیز فاقد اهمیت است.

ه- عدم امکان مراجعه ثالث زیان دیده به بیمه‌گذار: به حکم اصل اثر نسبی قرارداد، عقد بیمه منعقد میان بیمه‌گذار و بیمه‌گر نمی‌تواند مانع رجوع شخص ثالث زیان دیده برای اخذ خسارت از بیمه‌گذار شود (ایزنلو، ۱۳۸۶: ۹۰)؛ این در حالی است که در نهاد تعهد به نفع شخص ثالث، شخص ثالث حق رجوع به متعهد را ندارد.

۲-۲- تعهد به پرداخت خسارات منتسب به بیمه‌گذار

با ایرادهای فراوانی که به توجیه ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت بر مبنای نهاد تعهد به نفع شخص ثالث وارد گردید، به نظر می‌رسد، لازم است ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت را بر مبنای دیگر استوار نماییم. یکی از این مبانی منطقی، پرداخت خسارات منتسب به بیمه‌گذار است. در واقع طبق این نظریه هر چند شخص ثالث زیان دیده نیز به نحوی از رهگذر انعقاد عقد بیمه منتفع می‌گردد، اما انتفاع شخص ثالث از توابع و آثار عقد بیمه مسئولیت است، نه آنکه ماهیت آن محسوب گردد.

با توجه به اینکه در تحلیل مفاد تعهد طرفین عقد بیمه می‌توانیم بگوییم که تعهد بیمه‌گر ایجاد امنیت و تأمین برای بیمه‌گذار است و اینکه بیمه‌گذار در واقع متاع تأمین می‌خرد؛ اما به خوبی مشخص است که ماهیت عقد بیمه هر چند از قبل آن شخص ثالث منتفع گردد، ولی

نمی‌تواند تعهد به نفع شخص ثالث تعبیر شود. پس هدف بیمه‌گذار از انعقاد عقد بیمه، ايجاد تضمینی برای حفظ تعادل دارایی خویش است. به عبارت دیگر شاید با اندکی مسامحه بتوان ادعا کرد، به نوعی بیمه‌گر ضامن حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار و پرداخت خسارت ناشی از مسئولیت وی قرار گرفته است.

چنانچه ماهیت بیمه مسئولیت را تعهد به نفع شخص ثالث بدانیم به این معنا خواهد بود که این نوع بیمه جزو بیمه‌نامه‌های اشخاص بوده و از قواعد خاص آن متابعت می‌کند، گویی بیمه‌گذار اقدام به خرید بیمه حوادث برای شخص ثالث نموده است. در صورتی که به نظر می‌رسد در بیمه مسئولیت، بیمه‌گر جبران خسارت اشخاص ثالث را تعهد نمی‌کند، بلکه بدهی احتمالی بیمه‌گذار را در مقابل اشخاص ثالث که مسئول شناخته می‌شود و باید از اموال و دارایی خود بپردازد، تعهد می‌کند. شاید با همین توجیه است که برخی معتقدند بیمه مسئولیت جزو بیمه‌های اموال محسوب می‌شود (کریمی، ۱۳۸۶: ۳۳۴).

اینکه ماهیت بیمه مسئولیت، تضمین حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار است به این معنا است که به محض اثبات مسئولیت بیمه‌گذار و به جهت لزوم پرداخت خسارت شخص ثالث و تعلق دین ناشی از آن بر ذمه بیمه‌گذار، تعادل دارایی وی به هم خورده و جنبه منفی آن افزایش می‌یابد. بیمه‌گذار برای جلوگیری از بر هم خوردن احتمالی تعادل دارایی خویش، اقدام به انعقاد عقد بیمه می‌نماید. متعاقباً شرکت بیمه متعهد می‌گردد در صورت برهم خوردن تعادل دارایی بیمه‌گذار با پرداخت دین ناشی از مسئولیت وی در برابر شخص ثالث، تعادل از دست رفته را به دارایی وی بازگرداند.

تعهد بیمه‌گر در حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار بی‌شبهت به ضمان نیست. با دقت در ماده ۶۸۴ قانون مدنی و توجه به اینکه بیمه‌گر ضامن پرداخت دینی شده که بر عهده بیمه‌گذار تعلق گرفته است می‌توان ادعا کرد که ماهیت عقد بیمه مسئولیت همان ضمان است. در این حالت بیمه مسئولیت مدنی به این صورت تعریف می‌شود: «قراردادی است که به موجب آن، بیمه‌گر در برابر حق بیمه تعهد می‌کند، در صورت تحقق مسئولیت بیمه‌گذار، خسارت وارد از سوی او یا خسارت وارد بر او را جبران سازد» (کاتوزیان، ایزانلو، ۱۳۸۷: ۴). مطابق این تعریف بیمه‌گر قصد ندارد در قبال دریافت حق بیمه، خود را در برابر شخص ثالث متعهد نماید؛ به عبارت دیگر دو طرف (بیمه‌گذار و بیمه‌گر)، قصد متعهد کردن بیمه‌گر در برابر شخص ثالث و انتفاع ثالث را، جز در موارد استثنائی ندارند. هر چند حق شخص ثالث زبان‌دیده در برابر بیمه‌گر، ناشی از شرط ضمنی یا صریحی است که در قرارداد بیمه به نفع او شده است و از این جهت این تعهد را به نهاد تعهد به نفع شخص ثالث

نزدیک می‌کند، اما از نگاه دیگر عنایت به هدف بیمه مسئولیت به خوبی بیانگر این مطلب است که هدف اولیه بیمه‌های مسئولیت، حمایت از دارایی شخص مسئول (بیمه‌گذار) است. لذا پیش از اینکه حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده مطرح باشد، حمایت از دارایی شخص مسئول مطرح نظر است. با وجود این، دقت بیشتر نشان می‌دهد توجیه ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت بر مبنای ضمان با دشواری‌هایی روبرو است. اولاً، در ضمان مضمون‌له معلوم و معین است و او است که طرف عقد ضمان با ضامن قرار می‌گیرد؛ در حالی که در بیمه مسئولیت، شخص ثالث زیان‌دیده تا قبل از ورود خسارت معین نیست. البته اگر با نگاهی انتزاعی به موضوع توجه کنیم، مضمون‌له افراد جامعه هستند که اجمالاً قابل تعیین می‌باشند. ثانیاً، مطابق ماده ۶۸۵ قانون مدنی رضای مدیون اصلی شرط نیست در حالی که در بیمه مسئولیت، بیمه‌گذار طرف قرارداد است و بدون قصد وی اساساً قرارداد منعقد نمی‌گردد. ثالثاً، برابر با ماده ۶۹۱ قانون مدنی ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است باطل است، بنابراین بیمه‌گر نمی‌تواند ضامن پرداخت دین بیمه‌گذار که هنوز سبب آن ایجاد نشده است، بشود.

۲-۳- ماهیت دوگانه

به نظر می‌رسد باید از آن افراط و این تفریط پرهیز کرد و به جای تعیین ماهیت بیمه مسئولیت ذیل عنوان تعهد به نفع ثالث و یا پرداخت خسارت منتسب به بیمه‌گذار (ضمان)، راه میانه را در پیش گرفت. تحلیل واقع‌گرایانه بیمه مسئولیت، نشان می‌دهد ماهیت این بیمه‌گاه پرداخت خسارات منتسب به بیمه‌گذار است و گاه ماهیت مستقل دارد.

شاید در ابتدا منطبق این ادعا مبهم به نظر آید، اما باید دقت کرد که حاصل مفاد تراضی طرفین در وهله اول پرداخت دیون بیمه‌گذار و برگرداندن تعادل از دست رفته به دارایی اوست که از این رهگذر، شخص ثالث زیان‌دیده نیز منتفع می‌گردد. در واقع هدف اولیه جبران خسارت بیمه‌گذار است، نباید از یاد برد که بیمه‌گر اگر خسارت زیان‌دیده را می‌پردازد در واقع به طرفیت بیمه‌گذار چنین کرده است. بنابراین ابتدا باید ذمه بیمه‌گذار مشغول گردد سپس با مطالبه زیان‌دیده، بیمه‌گر جبران خسارت نماید. کسر فرانشیز به خوبی نشان می‌دهد که مدیون واقعی بیمه‌گذار است نه شرکت بیمه.

با این حال به نظر می‌رسد در مواردی که به حکم قانون، اخذ بیمه مسئولیت اجباری است، بیشتر حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده مد نظر قانونگذار بوده و تقویت گردیده است. چرا که در بیمه‌های اجباری مسئولیت، حتی در مواردی که بیمه‌گذار عاصداً باعث ورود خسارت به شخص ثالث شده باشد باز هم بیمه‌گر مکلف به جبران خسارت شخص ثالث است. البته با این

توضیح که در مرحله بعد برای گرفتن مبالغ پرداختی به بیمه‌گذار مراجعه می‌کند. طبیعت این بیمه‌نامه‌ها نشان می‌دهد بیش از آنکه حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار مد نظر باشد، تأمین خسارت شخص ثالث مقصود است. البته جبران خسارت وارده به اشخاص ثالث، لزوماً به این معنا نیست که ماهیت قرارداد بیمه مسئولیت تعهد به نفع شخص ثالث است.

آنچه ما را به سمت این نتیجه رهنمون می‌سازد، استناد به متن ماده ۶ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری است که مقرر می‌دارد: «بیمه‌گر ملزم به جبران کلیه خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهد بود». ماده مذکور به اشخاص ثالث حق مراجعه به بیمه‌گر را داده است. به نظر می‌رسد نمی‌توان از این ماده جهت اثبات ماهیت بیمه مسئولیت مبتنی بر نظریه تعهد به نفع ثالث بهره برد. زیرا پذیرش آن بدین معنا خواهد بود که اگر طرفین قرارداد بیمه بخواهند می‌توانند حق مراجعه مستقیم ثالث زیان‌دیده به بیمه‌گر را از وی سلب نمایند. این در حالی است که چنین توافقی خلاف قانون بوده و بلا اثر است.

بنابراین حکم ماده ۶ صرفاً اشاره به دعوای مستقیم دارد. توضیح آنکه مهم‌ترین تفاوت نهاد تعهد به نفع شخص ثالث و دعوای مستقیم در این است که در اولی، حق مراجعه مستقیم ناشی از اراده طرفین است، اما در دومی این حق از حکم قانون ناشی می‌شود (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۵/۳). پس نمی‌توان از شناخت حق مراجعه مستقیم ثالث زیان‌دیده به بیمه‌گر، ماهیت بیمه مسئولیت را تعهد به نفع شخص ثالث دانست.

به نظر می‌رسد برای تعیین ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت نمی‌توان صرفاً به نظریه پرداخت خسارت منتسب به بیمه‌گذار اتکاء نمود. قانونگذار حداقل در بیمه‌های اجباری مسئولیت متمایل است ماهیت مستقلی برای این بیمه‌ها در نظر گیرد. ماهیت مستقلی که نه با نهاد تعهد به نفع شخص ثالث تطابق دارد و نه حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار. ماهیتی که ما آن را تضمین جبران خسارت زیان‌دیده به حکم قانون و در محدوده قرارداد بیمه می‌دانیم. به حکم قانون، زیرا به صورت استثناء بوده و قابل عدول نیست. در محدوده قرارداد، زیرا پرداخت خسارت مقید به رعایت شرایط بیمه‌نامه است. آنچه ما را در رسیدن به این نظر قانع می‌سازد تشخیص ماهیت بر اساس آثار تعریف شده است. در واقع بر اساس آثاری که قانونگذار خود برای بیمه مسئولیت در نظر گرفته است می‌توان به ماهیت مستقل آن پی برد. شاید در سایر رشته‌های علوم انسانی شیوه صحیح، درک آثار بر مبنای تشخیص ماهیت باشد، اما در دانش حقوق به مقتضای هدف آنکه تنظیم روابط انسانی در صحنه اجتماع است، همیشه چنین نیست. گاه نیازهای بشری موجب خلق آثار و ماهیتی جدید می‌گردد.

۳- ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس

اصلی‌ترین قانونی که در انگلیس بر بیمه حکومت می‌کند قانون شرکت‌های بیمه‌ای مصوب ۱۹۸۲ است. این قانون بارها به دلایلی از جمله هماهنگی با قوانین اتحادیه اروپا دچار اصلاحاتی گردیده است. با این وجود در این قانون و اصلاحات بعدی آن هیچ اشاره‌ای به ماهیت بیمه مسئولیت نشده است. در مورد رویه قضایی نیز با وضعیت مشابهی مواجه هستیم به طوری که هر چند در پاره‌ای از آراء دادگاه‌ها، مسئله ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت مدنی به طور مجمل و پراکنده مطرح شده است، با این وجود در متون حقوقی و بیمه‌ای، بحث خاصی در این خصوص دیده نمی‌شود. تحقیق در آراء محاکم نشان می‌دهد دو توجیه برای ماهیت بیمه مسئولیت مدنی وجود دارد. توجیه اول استفاده از قراردادهای مصونیت است که کمتر بر آن تکیه شده است؛ و توجیه دوم نیز تکیه بر نظریه تعهد به نفع شخص ثالث است که شیوع بیشتری دارد.

۳-۱- مصونیت بیمه‌گذار

عده اندکی از حقوقدانان انگلیسی از قرارداد بیمه تعبیر به قرارداد غرامت^۱ می‌کنند و معتقدند ماهیت بیمه مسئولیت یک قرارداد غرامت است. در واقع بیمه‌گر، بیمه‌گذار را در صورت مسئول واقع شدن وی در برابر اشخاص ثالث، از پرداخت خسارت مصون داشته و غرامت شخص ثالث را می‌پردازد. به عبارت دیگر قرارداد بیمه مسئولیت از لحاظ ماهیتی جزو قراردادهای مصونیت می‌باشد. در این قراردادها بیمه‌گر متعهد به حمایت مالی از بیمه‌گذار شده و مکلف است وضعیت وی پس از ورود خسارت را به وضعیت پیش از ورود خسارت بازگرداند. مطابق نظر این عده، ماهیت بیمه مسئولیت حمایت از دارایی بیمه‌گذار است.

به همین دلیل است که در قضیه‌ای^۲ دادگاه تجدید نظر حکم داد که زمانی بیمه‌گذار مستحق دریافت خسارت از بیمه‌گر است که مسئولیت وی در برابر شخص ثالث به واسطه رأی دادگاه، داوری و یا قرارداد فی‌مابین ثابت شده باشد. بر اساس این رأی، هدف از بیمه مسئولیت حمایت از بیمه‌گذار است، زیرا زمانی می‌توان خسارت پرداخت کرد که مسئولیت وی به اثبات رسیده باشد. بعدها در پرونده دیگری^۳ راهکار در نظر گرفته شده در پرونده‌های اداره پست و برادلی مورد انتقاد قرار گرفت.

1. Indemnity Contract

2. Post Office v Norwich Union Fire Insurance Society Ltd ([1967] 2 QB 363, Bradley v Eagle Star Insurance Co Ltd [1989] AC 957.

3. Castle Insurance Co Ltd v Hong Kong Shipping Co Ltd (The Potoi Chou) [1984] 1 AC 226.

در توضیح باید گفت در حقوق انگلیس بیمه را به دو نوع بیمه‌های مصونیت یا غرامت و بیمه‌های غیرغرامتی یا احتمالی^۱ تقسیم می‌کنند. در بیمه‌های مصونیت، بیمه‌گذار در صورت حدوث حادثه تا سقف تعیینی در بیمه‌نامه، جبران خسارت می‌شود. بیمه مسئولیت، از انواع بیمه‌های مصونیت محسوب می‌شود. مثال بارز بیمه‌های غیرمصونیت بیمه عمر است. در این بیمه‌نامه، بدون اینکه بیمه‌گذار متحمل خسارتی شده باشد، به محض رویداد واقعه خاصی، بیمه‌گر مبلغ معینی را می‌پردازد.

لیکن به نظر می‌رسد چنین توجیهی در مورد ماهیت بیمه مسئولیت نادرست باشد؛ چرا که بیمه‌های مصونیتی یا غرامتی مقسمی از یک تقسیم‌بندی از انواع بیمه‌ها می‌باشد و در واقع ویژگی برخی از بیمه‌ها از جمله بیمه مسئولیت محسوب می‌گردد. بنابراین به صرف اینکه بیمه مسئولیت جزو بیمه‌های غرامتی است نمی‌توان ادعا نمود که ماهیت آن قرارداد مصونیت است (Liability Insurance, 1998: 11/2).

در مقابل، گروه زیادی بر این باورند که هدف قرارداد بیمه مسئولیت، صرفاً حمایت از منافع مالی بیمه‌گذار نیست (Insurance Law, 2007: 5/2)، بلکه حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده نیز مطرح نظر است. این عده در نهایت به این نتیجه می‌رسند که ماهیت قرارداد بیمه مسئولیت، تعهد به نفع شخص ثالث است و معتقدند از همین روست که ثالث زیان‌دیده فارغ از ورشکستگی یا ملاتت بیمه‌گذار می‌تواند مستقیماً به بیمه‌گر مراجعه نماید. شاهد ادعا تصویب قانون بیمه مسئولیت کارفرما در سال ۱۹۶۹ و تصویب قانون عبور و مرور جاده‌ای مصوب سال ۱۹۸۸ و ایجاد نظام اجباری بیمه می‌باشد. در واقع هدف از وضع این قوانین و اجباری شدن بیمه، حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده بوده است. در ادامه ادله این نظریه ارائه می‌گردد (Lewis, 2005: 56).

۳-۲- بیمه مسئولیت و نهاد تعهد به نفع شخص ثالث

با وجود قانون عبور و مرور جاده‌ای تردیدی نیست که بیمه مسئولیت لاقول در مورد وسایل نقلیه، تعهدی به نفع شخص ثالث است. برای نمونه اگر بیمه‌گذار شرایط مندرج در بیمه‌نامه را رعایت نکند (به طور مثال خودرو را در وضعیت مناسب برای رانندگی نگه ندارد و از این رهگذر به شخص ثالث خسارتی وارد آید) بیمه‌گر نمی‌تواند به بهانه نقض قرارداد بیمه، خسارات وارده را جبران نکند. در این حالت بیمه‌گر خسارات وارد به شخص ثالث را پرداخت کرده و در مرحله بعد از بیمه‌گذار مطالبه می‌نماید (John, 1997: 373).

1. Non-Indemnity or contingency

بنابراین اصل کلی این است که تخلف از شروط بیمه‌نامه توسط بیمه‌گذار به حقوق اشخاص ثالث لطمه‌ای وارد نمی‌کند، بلکه صرفاً به بیمه‌گر حق رجوع به بیمه‌گذار را می‌دهد. وجود این قواعد نشان می‌دهد بیمه مسئولیت مدنی حداقل در زمینه وسایل نقلیه، قواعد عمومی قراردادها را به نفع اشخاص ثالث زیان‌دیده تغییر داده است، بنابراین ماهیت این بیمه‌ها تعهد به نفع شخص ثالث می‌باشد. معتقدان به این نظر تا جایی پیش رفته‌اند که بر اساس بند هفتم ماده ۱۴۸ قانون عبور و مرور جاده‌ای سال ۱۹۸۸ شخص ثالث زیان‌دیده را طرف قرارداد بیمه می‌پندارند (Ibid. 366).

به طور کلی در کامن‌لا بیمه‌گذار می‌تواند در قرارداد نفعی به شخص ثالث منتقل کند. البته شخص ثالث خودش نمی‌تواند قرارداد را اجرا کند. اما در بیمه مسئولیت مطابق بند ۷ ماده ۱۴۸ قانون ۱۹۸۸، شخص ثالث مستقیماً می‌تواند قرارداد را اجرا نماید و این توانایی وفق نمایندگی یا امین بودن توجیه نمی‌شود بلکه شخص ثالث به استناد قانون، یکی از طرفین قرارداد است.

برای بررسی نظریه تعهد به نفع شخص ثالث و تطور تاریخی آن بحث را از تقسیم‌بندی به عمل آمده از قراردادها شروع می‌کنیم. سپس از پیدایش نظریه اثر نسبی قرارداد و بازنگری در نظریه مذکور به عنوان مباحث مقدماتی نظریه تعهد به نفع شخص ثالث سخن می‌گوییم.

۳-۲-۱- تقسیم‌بندی قراردادها

در حقوق انگلیس قرارداد به احکام و قرارها، قراردادهای رسمی و قراردادهای ساده تقسیم می‌شوند. برای آنکه قرارداد معتبر و لازم‌الاجرا شناخته شود یا باید رسمی بوده و یا دارای عوض باشد. بنابراین تعهد به نفع شخص ثالث در مواردی که رسمی نباشد لازم‌الاجرا نیست؛ چرا که در قرارداد به نفع شخص ثالث، عوض تعهد را شخص ثالث تأمین نمی‌کند. لذا این شرط مانع اعتبار تعهد به نفع شخص ثالث است. در واقع پیوستگی نظریه عوض و اثر نسبی قرارداد، مانعی در برابر شناسایی این منفعت برای اشخاص ثالث محسوب می‌شود. پس چنانچه شرایط مذکور رعایت گردد، قرارداد نسبت به طرفین معتبر و لازم‌الاجرا بوده و صرفاً متعهدله می‌تواند اجرای تعهد را بخواهد.

۳-۲-۲- پیدایش نظریه اثر نسبی قرارداد

با عنایت به اینکه نهاد تعهد به نفع شخص ثالث به عنوان استثناء اصل اثر نسبی قرارداد شناخته می‌شود، بنابراین برای بررسی نهاد تعهد به نفع اشخاص ثالث ابتدا نظریه اثر نسبی قرارداد، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در حقوق انگلیس دکترین اثر نسبی قرارداد در منابع حقوقی چنین منعکس شده است: «... به طور کلی قرارداد نمی‌تواند حقوق و تکالیف برآمده از خود را به کسی جز طرفین آن اعطاء

یا تحمیل کند» (Treitel, 1995: 534). بنا بر تعریف مذکور، اصل اثر نسبی قرارداد از دو جنبه، اثرگذاری قرارداد را نسبت به اشخاص ثالث منع می‌کند: اول از جنبه ایجاد حق؛ یعنی اینکه طرفین قرارداد نمی‌توانند بدون دخالت اراده دیگری برای او حقی ایجاد کنند. دوم، از جهت ایجاد تکلیف؛ یعنی اینکه طرفین نمی‌توانند بدون دخالت اراده دیگری، تکلیفی را بر عهده او گذارند. لیکن ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی در عمل استثنائات فراوانی را بر جنبه اول اصل، وارد ساخته‌اند. تعهد به نفع شخص ثالث مهم‌ترین استثناء آن به شمار می‌رود.

پیشینه تاریخی اصل اثر نسبی قرارداد به قرن سیزدهم میلادی باز می‌گردد (صادقی، ۱۳۸۳: ۲۷). با این حال هر چند نظریه مذکور عملاً در قرن پانزدهم شکل گرفت اما تا حدود نیمه قرن نوزدهم به آرائی برمی‌خوریم که ظاهراً با این نظریه منافات دارند. گو اینکه اغلب این آراء مربوط به دعوی خانواده‌گی یا راجع به مواردی است که نوعی پیوند عاطفی میان شخص ثالث و متعهدله وجود داشته و ظاهراً از این جهت بعضاً دادگاه‌ها آن را موجب تسری عوض از متعهدله به شخص ثالث دانسته‌اند، اما به هر حال وجود این آراء نشاگر عدم تثبیت قاعده «اثر نسبی قرارداد» در این دوره است. از این رو بسیاری از حقوقدانان، سال ۱۸۶۱ را که رأی مشهور تدل علیه آنکینسو^۱ صادر شد مقطع تثبیت نظریه «اثر نسبی قرارداد» دانسته‌اند (English Law Commission, para. 2.5). جریان این دعوا از این قرار بود که پدران عروس و داماد با یکدیگر توافق کرده بودند مبلغی پول به داماد بپردازند. پدر عروس از اجرای تعهد سر باز زد و داماد علیه او طرح دعوا نمود. لیکن دادگاه دعوی او را مردود دانست. قاضی پرونده در مقام استدلال اظهار داشت: «کسی که نسبت به عوض بیگانه است نمی‌تواند از قرارداد منتفع شود، هر چند که قرارداد به نفع او بسته شده باشد».

در سال ۱۹۱۵ مجلس اعیان در رأیی اعلام کرد: «یکی از اصول اساسی حقوق انگلیس این است که فقط طرفین قرارداد که عوض را فراهم نموده‌اند، می‌توانند برای الزام به اجرای آن طرح دعوا نمایند» (صادقی، همان: ۲۹). بنابراین به نظر می‌رسد در حقوق انگلیس میان دو نظریه عوض و اثر نسبی قرارداد پیوستگی و ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. زیرا مطابق با نظریه اثر نسبی قرارداد نیز تنها طرف توافق می‌تواند اجرای آن را مطالبه نماید. بنابراین هر دو نظریه به یک نتیجه منتهی می‌گردند.

با توجه به پیچیدگی مفهوم عوض تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. ساده‌ترین تعریف، در رأی دادگاه چنین ذکر شده است: «عوض با ارزش از نظر قانون، ممکن است حق یا منفعت یا فایده‌ای باشد که به یک طرف می‌رسد یا ضرر یا زیان یا مسئولیتی باشد که طرف دیگر متحمل یا

1. Tweddle v. Atkinso

متعهد به آن می‌شود» (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). به عبارت ساده‌تر مفهوم این عبارت نوعی تقابل میان سود و زیان است. مثلاً پرداخت ثمن توسط خریدار عوض محسوب می‌شود. همچنین برای تعهد فروشنده به تسلیم کالا که می‌توان آن را به عنوان زیان وارده بر وی یا نفع حاصله برای خریدار توصیف کرد، برعکس تسلیم کالا توسط فروشنده عوض است برای تعهد خریدار به پرداخت ثمن. برای آنکه عوض معتبر باشد و پشتوانه‌ای برای لازم‌الاجرا شناخته شدن تعهد به حساب آید، شروطی باید محقق گردد. مهم‌ترین این شروط آن است که زمانی اجرای پیمان توسط متعهدله قابل مطالبه است که متعهدله عوض را داده باشد. نتیجه این شرط آن است که هر گاه قراردادی به نفع شخص ثالث بسته شود و متعهدله عوض را بپردازد، تنها خود او حق مطالبه اجرای قرارداد را خواهد داشت و شخص ثالث که چیزی را در قبال تعهد نپرداخته است نمی‌تواند اجرای آن را از متعهد مطالبه نماید.

ملاحظه می‌شود وجود نظریه عوض از یک سو و پیوستگی آن با نظریه اثر نسبی قرارداد از سوی دیگر، مانع لازم‌الاجرا شناخته شدن تعهد به نفع شخص ثالث می‌شود. البته این بدان معنی نیست که قرارداد منعقد به نفع شخص ثالث به کلی فاقد اعتبار است؛ بلکه متعهدله، که خود طرف قرارداد است و عوض را تأمین می‌کند، می‌تواند اجرای قرارداد را مطالبه کند.

به این ترتیب نظریه اثر نسبی قرارداد و عوض دوشادوش هم مانع اعتبار قراردادهای و شروطی شدند که به نفع اشخاص ثالث بسته می‌شد. مجلس اعیان در سال ۱۹۶۲ نیز در رأی با وجود مخالفت برخی از قضات، بار دیگر اصل اثر نسبی را تأیید کرد (English Law Commission, para. 2.6).

اصل اثر نسبی قرارداد با توجه به نیازهای عملی که روز به روز متنوع‌تر می‌شد در عمل مشکلاتی را برای نظام کامن‌لا به بار آورد. فشار ناشی از این نیازهای روزافزون موجب شد به‌رغم اینکه قاعده رسماً به حیات خود در نظام کامن‌لا ادامه دهد، اما در عمل استثنائات فراوانی بر آن وارد آید. بعضی از محاکم با توسل به قواعد انصاف یا با تمهید حیل‌های قانونی دیگر از نتایج غیرمنصفانه این قاعده گریختند و در مقام پاسخگویی به نیازهای نو برآمدند. علاوه بر راه‌ها و شیوه‌هایی که دادرسان در دادگاه‌ها برای کاهش آثار نامطلوب قاعده اثر نسبی قرارداد به کار می‌بستند، وضع قوانین خاص نیز طریق دیگری بود که برای پاسخگویی به مقتضیات نوین زندگی اجتماعی در انگلیس پیموده شد.

۳-۲-۱- قوانین بیمه به عنوان یکی از استثنای اصل اثر نسبی قرارداد

قوانین موضوعه راجع به اقسام مختلف بیمه علاوه بر نمایندگی، واگذاری و تراست تعهدات، استثنائات اصل اثر نسبی قرارداد می‌باشند. در حقوق انگلیس با توجه به اینکه

تعهد به نفع شخص ثالث به عنوان یک قاعده عمومی پذیرفته نشده است، قانونگذار در بسیاری از موارد بدون آنکه این نهاد را بپذیرد با وضع قوانین خاص از حقوق اشخاص ثالث حمایت نموده است.

در کامن‌لا به موجب قرارداد بیمه نمی‌توان برای شخص ثالث منفعتی را شرط کرد، اما مطابق با بخش اول قانون حقوق اشخاص ثالث در مقابل بیمه‌گران ۱۹۳۰ می‌توان مسئولیت متعهدله را در مقابل اشخاص ثالث بیمه نمود. شخص ثالث هم با شرایطی خاص می‌تواند با طرح دعوا علیه شرکت بیمه، حقوق بیمه‌شده را مطالبه کند.

در انگلیس مطابق با نظریه اثر نسبی قرارداد، فقط اشخاصی که طرف قرارداد باشند می‌توانند بر اساس بیمه‌نامه طرح دعوا نمایند. اما نظریه مذکور با استثنائات مهمی از جمله قرارداد بیمه روبرو بوده است.

قانون حقوق اشخاص ثالث ۱۹۹۹، باعث تغییر بنیادین در این نظریه گردید. این قانون مقرر می‌دارد، در صورتی که قرارداد اشاره کند که شخص ثالث می‌تواند طرح دعوا نماید و یا قرارداد قصد انتقال منفعتی به وی داشته باشد، به‌رغم اینکه وی طرف قرارداد نبوده است اما می‌تواند بر اساس قرارداد مذکور طرح دعوا نماید.

استثناء دیگر نظریه اثر نسبی قرارداد، بخش ۱۵۱ قانون ۱۹۸۸ است. برابر این قانون شخص ثالث زیان‌دیده در حوادث رانندگی می‌تواند مستقیماً علیه شرکت بیمه‌گر طرح دعوا نماید. مطابق این قانون حق شخص ثالث زیان‌دیده در مواردی قابل اعمال است که توانسته باشد رأی دادگاه مبنی بر مسئولیت راننده را اخذ کرده باشد. به عبارت دیگر دادگاه باید راننده را محکوم به جبران خسارت کرده باشد و راننده ظرف هفت روز رأی دادگاه را اجرا ننماید.

پیشینه تاریخی بحث نشان می‌دهد در دیگر کشورهای اروپایی از قبیل فرانسه نیاز جامعه به بیمه نیرومندترین عاملی بوده است که موجب تحول حقوق اشخاص ثالث در رویه قضایی این کشورها گردیده و در نهایت منجر به شناسایی کامل تعهد به نفع شخص ثالث شده است. اما در رویه قضایی انگلیس با مداخله گاه به گاه پارلمان و وضع قوانین خاص، این روند پیموده نشد و قاعده کلی عدم شناسایی قرارداد به نفع شخص ثالث، در رویه قضایی این کشور به قوت خود باقی ماند. بدین ترتیب در مورد بیمه صرفاً مقررات ناظر به انواع مختلف بیمه از قبیل بیمه دریایی، بیمه آتش‌سوزی و بیمه مربوط به حوادث رانندگی است که هر یک با شرایط خاص خود به اشخاص ثالث امکان طرح دعوی جهت اجرای مفاد بیمه‌نامه را می‌دهد.

۳-۲-۳- بازنگری در نظریه اثر نسبی قرارداد

با تحولات جدید حقوقی که در زمینه قرارداد به نفع شخص ثالث شکل گرفت، کمیسیون حقوق انگلیس در گزارش تحلیلی شماره ۲۴۲ با الگو گرفتن از سایر کشورهای عضو خانواده کامن لا، برای معتبر شناختن تعهد به نفع شخص ثالث گام‌هایی برداشت. اولین گامی که برداشته شد قطع پیوستگی نظریه عوض و نظریه اثر نسبی قرارداد بود. سپس در گام بعدی در نظریه اثر نسبی قرارداد بازنگری به عمل آمد.

توضیح آنکه در حقوق انگلیس نظر غالب بر این است که میان نظریه عوض و نظریه اثر نسبی قرارداد، ارتباط و پیوستگی وجود دارد. لذا لازمه اصلاح و تجدیدنظر در نظریه اثر نسبی قرارداد، اصلاح در نظریه عوض بود، گام‌هایی در جهت اصلاح نظریه عوض برداشته شد؛ از جمله اینکه پیشنهاد شد عبارت (عوض باید از متعهدله پرداخت شود) به کلی حذف شود، تا از این طریق شخص ثالث بتواند اجرای تعهدی را که به نفع او بسته شده است مطالبه نماید. اما این پیشنهاد مورد قبول قانونگذار قرار نگرفت. گام بعدی ارائه قرائت جدید از نظریه عوض و انکار ارتباط و پیوستگی این نظریه با نظریه اثر نسبی قرارداد بود، تا از این طریق، راه برای معتبر شناختن تعهد به نفع ثالث و بازنگری در نظریه اثر نسبی قرارداد هموار شود.

مطابق نظریات جدید، نظریه عوض ناظر به شرایط لازم الاجرا شدن تعهد است و بیان می‌کند که چه تعهدهایی لازم الاجرا می‌باشند، در حالی که نظریه اثر نسبی قرارداد ناظر به تعیین طرفی است که حق مطالبه اجرا تعهد را دارد. لذا برای اینکه تعهد لازم الاجرا شود، متعهدله باید در ازای آن عوضی پرداخت کند. در نتیجه نظریه عوض ناظر به معیار لازم الاجرا شدن تعهدات است و زمینه آن با نظریه اثر نسبی قرارداد تفاوت دارد. در این صورت است که می‌توان بدون ایجاد خلل در نظریه عوض، نظریه اثر نسبی قرارداد را اصلاح نمود.

در نهایت، روند اعتراضات به عدم شناسایی نهاد تعهد به نفع شخص ثالث، منجر به تصویب قانون حقوق اشخاص ثالث ۱۹۹۹ گردید. مطابق این قانون هر گاه طرفین قرارداد قصد اعطای منفعتی به شخص ثالث به همراه حق مطالبه آن را داشته باشند، حق مذکور را باید مورد شناسایی قرار داد. هر چند به عقیده برخی با تصویب قانون عبور و مرور جاده‌ای ۲۰۱۰، قانون حقوق اشخاص ثالث، فلسفه وجودی خود را از دست داده است؛ اما به نظر می‌رسد قانون حقوق اشخاص ثالث به عنوان یک قانون عام، با تصویب قانون عبور و مرور جاده‌ای، فقط تخصیص خورده است.

نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی ما به تبعیت از فقه امامیه برای شناخت آثار هر نهاد حقوقی ابتدا ماهیت آن بررسی شده و سپس آثار آن تعیین می‌گردد. سنت فقهاء بر این بوده که در برخورد با هر پدیده‌ای، کوشش خود را به کار برده‌اند تا با استفاده از تطبیق آن با نهادهای موجود، ساختار و احکام آن را بشناسند. این سنت در حقوق موضوعه و به خصوص حقوق ما نیز جاری بوده است. همین تفکر سنتی است که دانشمندان را وادار می‌سازد در تبیین مشروعیت بیمه به عنوان یک پدیده نوظهور، دست به دامان توجیه و تطبیق آن در قالب عقود شناخته شده شوند.

اگر با پذیرش این شیوه بخواهیم دست به شناسایی بیمه مسئولیت بزنیم، آنگاه در ماهیت آن با دو توجیه مواجه می‌گردیم. اول آنکه بیمه مسئولیت، تعهد بیمه‌گر است بر پرداخت خسارات منتسب به بیمه‌گذار و حفظ دارایی وی، دوم آنکه بیمه مسئولیت همان تعهد به نفع شخص ثالث است. پذیرش هر کدام از این توجیهاط طبیعتاً موجب شناخت آثار متفاوتی می‌گردد. مطالعه تطبیقی موضوع در حقوق انگلستان نیز نشان می‌دهد در نظم حقوقی کشور مذکور کمتر در مورد ماهیت این قرارداد بحث شده است. اما با بررسی رویه قضایی و کنار هم قرار دادن نکات ظریفی که قضات لابلای پرونده‌ها ذکر کرده‌اند می‌توان ملاحظه نمود قضات تمایل دارند ماهیت آن را در قالب نهاد تعهد به نفع شخص ثالث توجیه کنند.

با وجود این به نظر نگارنده در برخورد با پدیده‌های نوظهور نباید خود را محصور در حصار قالب‌های پیش ساخته دانست. حقوقدان به‌رغم آنکه باید به سنت‌های دیرین جامعه خود پایبند باشد، اما از پذیرش نهادهای جدید نباید هراس نماید. همین قدر که پذیرش پدیده جدید خلاف مبانی نباشد کافی است. لازم نیست برای توجیه تازه وارد به جستجوی موارد مشابه آن در نظم حقوقی بود. بیمه مسئولیت از این قبیل تازه‌واردهایی است که ضرورت زندگی اجتماعی جدید آن را بر نظم حقوقی تحمیل کرده است. نگارنده معتقد است مخالفت پدیده جدید صرفاً با مبانی حقوقی است که باعث عدم پذیرش صحت آن می‌گردد.

بی‌نیازی از تطبیق موارد جدید با موارد قبلی در خصوص بیمه مسئولیت ما را به این نتیجه رسانیده است که ماهیت بیمه مسئولیت در موارد اختیاری بیشتر به پرداخت خسارات منتسب به بیمه‌گذار و حفظ تعادل دارایی وی متمایل است و در موارد اجباری به سمت ماهیتی مستقل کشش پیدا کرده است. ماهیت مستقلی که نه با نهاد تعهد به نفع شخص ثالث تطابق دارد و نه حفظ تعادل دارایی بیمه‌گذار. ماهیتی که ما آن را تضمین جبران خسارت زیان‌دیده به حکم

قانون و در محدوده قرارداد بیمه می‌دانیم. با همین توجیه است که آثار بیمه مسئولیت در بیمه‌های اجباری مسئولیت با بیمه‌های اختیاری مسئولیت متفاوت می‌باشد.

منابع

الف - فارسی

۱. امامی، سید حسن؛ *حقوق مدنی*، جلد ۱، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
۲. ایزانلو، محسن؛ *شروط محدود کننده و ساقط کننده مسئولیت در قراردادها*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶.
۳. حسینی طرقی، مرتضی محمد؛ *توجیه ماهیت حقوقی تعهد به سود شخص ثالث*، مجله کانون وکلا، ۱۳۳۲، شماره ۳۶.
۴. صادقی، محمود؛ *تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه*، انگلیس و فقه امامیه، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۳.
۵. کاتوزیان، ناصر؛ محسن ایزانلو، *مسئولیت مدنی (بیمه مسئولیت مدنی)*، جلد سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۶. _____؛ *قواعد عمومی قراردادها*، جلد سوم، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۶.
۷. کریمی، آیت؛ *کلیات بیمه*، پژوهشکده بیمه مرکزی، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۶.
۸. محقق داماد، سید مصطفی؛ «تعهد به نفع شخص ثالث از نظر شیخ انصاری»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵، شماره ۱۷-۱۶.
۹. محمدی، سامک؛ «تمییز تعهد به نفع شخص ثالث از نهادهای حقوقی مشابه»، پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۵، شماره دوم و سوم.

ب - عربی

۱۰. بهاء‌الدین، مسعود؛ خویرة، سعید؛ «الآثار المترتبة على عقد التأمين من المسؤولية المدنية»، كلية الدراسات العليا في جامعة النجاح الوطنية في نابلس، فلسطين ۲۰۰۸.

ج - لاتین

11. G.H.Treitel; 1995, *The Law of Contract*, Ninth edition, London, Sweet&/Maxwell.
12. *Insurance law*, 2007, London, charter book.
13. *Liability Insurance*, 1998, London, Charter Book.
14. John Birds; 1997, *Modern insurance law*, London, Sweet & Maxwell, fourth edition.
15. Richard, Lewis; 2005, "The relationship between tort law and insurance in England and Wales, in *Tort Law and Liability Insurance*", Gerhard. Wanger (ed.), European Center of Tort and Insurance Law, Springer Wien New York.